

سنجش پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل با رویکرد مدیریت یکپارچه

شهرام ملانیا جلودار^۱ - عبدالحسین دانشوری نسب^۲ - مریم مالمیر^۳ - سید حسن رسولی^۴

چکیده

زمینه: در بستر افزایش توجهات جهانی به ابعاد توسعه پایدار و مسائل مربوط به کیفیت زندگی انسان‌ها، تلاش برای دستیابی به پایداری اجتماعی در بافت‌های شهری اهمیت بیشتری یافته است.
هدف: مقاله حاضر سنجش پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل می‌باشد.
روش‌ها: در این راستا پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی و به لحاظ ماهیت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با پایداری اجتماعی از دل مطالعات استخراج شده و با استفاده از پرسشنامه، ۳۷۰ نفر از شهروندان به پرسشنامه‌ای که در راستای وضعیت پایداری اجتماعی در محدوده مرکزی شهر بابل پاسخ داده و یافته‌های این بخش با استفاده از تکنیک‌های آماری و تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS بررسی و تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که بافت مرکزی شهر بابل از حیث پایداری اجتماعی در سطح بالایی قرار داشته و مهم‌ترین عاملی که در پایداری اجتماعی محلات مرکزی شهر بابل اثرگذار می‌باشد امنیت و کنش اجتماعی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج مشخص نموده‌اند که عوامل امنیت، کنش اجتماعی، کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی، تعلق خاطر به محیط و مدت اقامت سبب بالا بردن سطح پایداری اجتماعی در محدوده مرکزی شهر بابل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پایداری، پایداری اجتماعی، تعاملات اجتماعی، مدیریت یکپارچه، شهر بابل

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول) smollania@pnu.ac.ir

^۲ استادیار بخش علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

daneshvari.um@uk.ac.ir

^۳ مربی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور Maryammalmir7@yahoo.com

^۴ دانشجوی دکتری، جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد تهران مرکز، تهران، ایران hasanrasoli.63@gmail.com

مقدمه

تأثیرات پایداری اجتماعی بر این محلات شهری بررسی شده است.

مفهوم پایداری اجتماعی به طور عمده با ابعاد کیفی همراه است و با مفاهیمی مانند زندگی انسانی و احساس رفاه ارزیابی می‌شوند. پایداری اجتماعی به معنای حفظ و بهبود بخشی سرمایه اجتماعی، یعنی شکل‌دهی جوامع همگن و یکپارچه با منافع متقابل، دارای ارتباط و تعامل میان گروه‌های مردمی، جامعه‌ای دارای احساس ترحم، صبوری، قابلیت انعطاف و تابع عشق و وفاداری که گاه با سرمایه اخلاقی نیز همراه می‌شود (گودلند^۱، ۲۰۰۳: ۱-۶). بحث‌های فراوانی در خصوص چگونگی پایداری شهر و مدل‌های توسعه پایدار شهری صورت پذیرفته است. با مطرح شدن این بحث‌ها در نشست ریو، افزایش تراکم شهر و جلوگیری از توسعه جغرافیایی شهرها، تنها راه رسیدن به پایداری شهری می‌باشد (جمعه‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۸). شناخت پایداری اجتماعی در سطح جوامع شهری با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مؤلفه‌هایی چون قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، حس تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و میزان محرومیت سنجدیده می‌شود (برایدن^۲، ۲۰۰۲: ۹). بدین ترتیب پایداری اجتماعی در نواحی شهری به معنای زندگی سالم از طریق رفع نیازهای اساسی آحاد جامعه شهری، با در نظر گرفتن کیفیت زندگی و همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در مسیر دستیابی به بالاترین سطح رضایت از زندگی تعریف می‌شود (ترجمن^۳، ۲۰۰۲: ۲).

در حالی که پژوهش‌های کمتری به تعریف پایداری اجتماعی پرداخته‌اند، توافق کمی نیز بر سر تعریف آن وجود دارد. یک علت را می‌توان پیچیدگی تعیین کردن کمیت مسائل اجتماعی و تعریف مفاهیم آن عنوان کرد (بورتون^۴، ۲۰۰۳). عوامل متعددی مانند ماهیت چندبعدی، مقیاس تعریف و هم‌پوشانی با

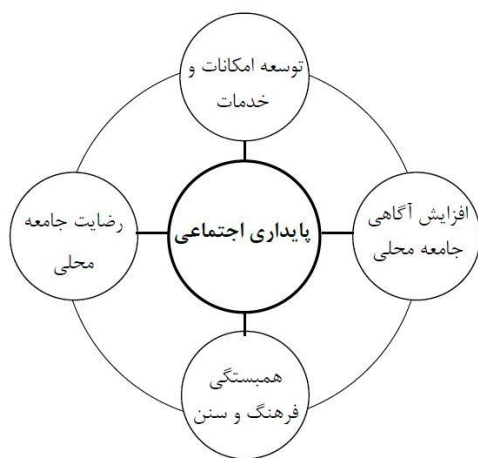
موضوع توسعه پایدار و خصوصاً توسعه پایدار شهری، پس از کنفرانس ریو به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان تبدیل شده، با وجود نگاه‌های مختلف به مفهوم توسعه پایدار و برداشت‌های متفاوت از آن، اصل تعادل میان سه بعد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مورد توافق همگان است. شهرها بخش مهمی از چشم‌انداز فضایی پایداری محسوب گشته و توسعه در بستر شهرها صورت می‌گیرد، بنابراین، آنها را می‌توان اصلی‌ترین بستر برای توسعه پایدار دانست.

در دو دهه اخیر، مفهوم پایداری اجتماعی به یکی از مدل‌های جدید توسعه در آمده و با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی توسعه ترکیب شده است. مؤلفه‌هایی که آنها را «ابعاد» یا «پایه‌های توسعه پایدار» می‌نامند و محققان اجتماع محلی، هر کدام از نظر خود به میزان متفاوتی به آن توجه کرده‌اند. در حقیقت مباحث مربوط به توسعه پایدار، در ابتدا وابسته به مسائل محیط زیستی بود و پس از آن توجه به مسائل اقتصادی نیز در آن گنجانده شد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ موضوعات اجتماعی برای اولین بار در دستور کار مباحث توسعه پایدار قرار گرفت. به ویژه پس از تدوین دستور کار ۲۱، تدوین راهبرد اتحادیه اروپا در لیسبون در سال ۲۰۰۰ (معروف به EC ۲۰۰۰) و در جلسه شورای اروپا در شهر گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱ مورد توجه قرار گرفتند. در نتیجه، مطالب محدودی درباره پایداری اجتماعی وجود دارد، به طوری که بررسی‌های منظم و سیستماتیک درباره این مفهوم وجود ندارد.

این مقاله با مروری بر ادبیات مفهوم پایداری اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن سعی دارد تا عوامل مؤثر بر پایداری اجتماعی را در بافت‌های شهری شناسایی کند. بدین منظور، ابتدا به حوزه‌های پایداری اجتماعی در محلات شهری پرداخته شده و سپس

پر تعامل میان فضا و جامعه است و پایداری اجتماعی بیشتر بر افزایش کیفیت جریان زندگی تمرکز می‌کند و برای نیل به پایداری اجتماعی در یک فضا سه اصل ضروری است:

- پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان.
- ارتقا کیفیت زیست انسانی از طریق شناخت نیازهای عالی و غیر مادی انسان.
- هم‌خوانی الگوهای رفتاری با کالبد ساختمان (محمدی سنگالی و قرشی، ۱۳۹۵: ۹۰)



شکل ۱: ابعاد مختلف پایداری اجتماعی

منبع: شفایی املشی، ۱۳۹۵

در رابطه با فهم پایداری اجتماعی از ابعاد مختلف، چيو^۶ (۲۰۰۳) سه تیپولوژی مختلف از درک تئورسین‌ها را مشخص کرده است. اولین تیپولوژی این است که برای این که فعالیتی از لحاظ اجتماعی پایدار باشد، می‌بایست ساختارهای اجتماعی و ارزش‌های کنونی را به عنوان محدودیت‌های اجتماعی برای موجودیت انسان، حفظ و یا ارتقاء دهد. هر توسعه‌ای که نقضی بر ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته اجتماعی باشد، فعالیتی ناپایدار از لحاظ اجتماعی می‌باشد. بر اساس نظر چيو (۲۰۰۳) و میتلین و ساترسویت^۷ (۱۹۹۶) این نظر آزادی عمل کافی برای تغییر اجتماعی که ممکن است برای رسیدن به اهداف اجتماعی پایدار لازم باشد، ایجاد نمی‌کند و به نظر می‌

مفاهیم دیگر بر تعریف پایداری اجتماعی اثرگذارند. یکی از روش‌های شناخت تعریف پایداری اجتماعی، بررسی ارتباط آن با عوامل دیگر پایداری یعنی محیط زیست و اقتصاد می‌باشد که این خود ماهیت چندبعدی پایداری اجتماعی را نشان می‌دهد. پایداری اجتماعی نیز به دلیل ماهیت وابسته‌ای که به ابعاد دیگر دارد، تعریفی چندبعدی می‌یابد. تاکنون بیشترین توجهات بر جنبه زیست محیطی پایداری بوده است و مباحث طبیعت‌محور بر نیاز به مصرف کاراتر منابع و کمبود شدید منابع طبیعی تأکید داشته است. در حالی که دیدگاه انسان‌محور همان‌گونه که بر مسائل محیط زیست توجه دارد، انسان و کیفیت زندگی او را مورد توجه قرار می‌دهد. پایداری اجتماعی عموماً متوجه ارتباط بین رفتار افراد و محیط ساخته شده، یا ارتباطات بین فرصت‌های زندگی افراد و ساختارهای سازمانی است. این مسئله‌ای است که در مباحث پایداری به شدت مورد غفلت واقع شده است (حاتمی‌کیا، ۱۳۹۳: ۳۹). مزیت چندبعدی بودن مفهوم پایداری اجتماعی این است که چارچوبی را برای درک چگونگی تأثیر سیاست‌های مختلف در شرایط و بسترهای گوناگون، فراهم می‌آورد. بنابراین مفهوم پایداری اجتماعی کاملاً به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی یک بستر وابسته است (مانزی^۵ و همکاران، ۲۰۱۰: ۵). شکل شماره (۱) ابعاد مختلف پایداری اجتماعی را نشان می‌دهد. پایداری اجتماعی کیفیتی است که متوجه نحوه ارتباط افراد براساس ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی جوامع است و توسط محقق شدن اصول برابری اجتماعی، رفاه انسان و برطرف شدن نیازهای مادی و معنوی او، در سایه توجه به امکانات زیست محیطی و شرایط اقتصادی - اجتماعی هر جامعه‌ای و بهبود کیفیت زندگی و یکپارچگی اجتماعی برآورده می‌شود. نمونه‌ای از این تعاریف در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است. از آنجا که اساس پایداری اجتماعی فضا

اهمیت دادن به بعد اجتماعی پایداری در "برنامه اجتماعات محلی پایدار"^۸ (۲۰۰۳) انگلستان مشهود است.

دمپسی^۹ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به تأثیر فرم شهر (تراکم) بر پایداری اجتماعی در انگلستان پرداخته‌اند. در این مطالعه به طور خاص اشاره به رابطه بین تراکم و جنبه‌های پایداری اجتماعی - مخصوصاً عدالت اجتماعی (به عنوان مثال دسترسی به خدمات و امکانات)، عدالت زیست‌محیطی به عنوان مثال دسترسی به استفاده از فضای سبز و باز - و پایداری اجتماعی از جمله درک از ایمنی، روابط اجتماعی و پایداری جامعه شده است. این تحقیق به دنبال این بوده است که در میان ساکنان محلات انگلستان که دارای تراکم مسکونی متفاوت هستند تا چه اندازه پایداری اجتماعی اتفاق می‌افتد. روش گردآوری اطلاعات توسط پرسشنامه در ۱۵ محله صورت گرفته است و برای تجزیه و تحلیل نیز از روش‌های آماری و آزمون‌های مختلف استفاده شده است. نتایج تحقیقات نشان داده که در محلات مختلف، تراکم با پایداری اجتماعی همراه بوده است. به عبارتی بین تراکم مسکونی و جنبه‌های پایداری اجتماعی ارتباط وجود دارد. یافته‌ها نشان داده که محلات متراکم تأثیر مثبت در استفاده از خدمات محلی و امکانات دارند، ساکنان در محلات متراکم‌تر به استفاده بیشتر از خدمات و امکانات محلی خود نسبت به کسانی که در مناطق کم‌تراکم وجود داشتند برخوردارند. ساکنان در محلات متراکم نیز به احتمال زیاد کمتر به خودرو و یا ماشین برای دسترسی به خدمات و امکانات استفاده می‌کردند. این خدمات که نزدیک‌تر به خانه هستند با پای پیاده و یا دوچرخه می‌توان به آن دست یافت و آنهایی که دور هستند با ماشین امکان‌پذیر است (دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین در مطالعات داخلی نیز به بحث پایداری اجتماعی پرداخته شده است بدین ترتیب که برزگر و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان تبیین پایداری

رسد ساختارهای موجود اجتماعی را حتی اگر در طولانی مدت دوام نداشته باشند، مورد پذیرش قرار می‌دهد. دومین و سومین تیپولوژی که توسط چپو معرفی می‌شود، به عنوان اساس تئوریک مطالعاتش بر پایداری اجتماعی مسکن در هنگ‌کنگ مورد استفاده قرار گرفته است. دومین نظر رویکرد طبیعت‌محور است که در آن پایداری اجتماعی به "شرایط اجتماعی لازم برای تأمین پایداری اکولوژیکی" اشاره دارد. سومین نظر رویکرد انسان‌محور است که بر پیوستگی اجتماعی تأکید می‌کند. از بین سه تعبیر بیان شده توسط چپو، نظر آخر بیشترین تأکید را بر عدالت و تساوی اجتماعی، یکی از مفاهیم اصلی در هسته مفهوم پایداری اجتماعی دارد. به نظر چپو "برای پایدار بودن اجتماعی، توزیع و مصرف منابع و دارایی‌ها باید عادلانه بوده، ارتباطات متوازن اجتماعی و کیفیت مورد قبولی از زندگی وجود داشته باشد". این نقطه نظرات در تحلیل پایداری اجتماعی شهری دیده می‌شود که بر سه مبحث مهم تساوی، حس اجتماعی و شهری تأکید دارد. آنها اینگونه اظهار کردند که "مطمئناً مباحث اجتماعی مهم دیگری نیز در حوزه شهری وجود دارند اما این سه موضوع در برنامه‌ریزی توسعه شهرها غالب‌اند" (چپو، ۲۰۰۳: ۱۴۰). مزیت این درک چندبعدی، چگونگی تأثیرات متفاوت ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را بر سیاست‌های شهری نشان داده و درک جدیدتری را در کنار توجهات پیشین به کارایی ارتباطات میان ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی، ارائه می‌دهد. شاید یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های امروز سیاست‌های شهری همین ایجاد تعادل مابین ارتباطات ابعاد پایداری است. برای تحلیل کیفیت پایداری اجتماعی در عرصه‌های گروهی، لازم به ذکر است که مقوله پایداری اجتماعی در حوزه سیاست بسیاری از کشورها نیز تأثیر به‌سزایی گذاشته است. در این راستا دولت انگلستان تلاش کرده است تا مباحث پایداری را با کیفیت زندگی مرتبط سازد.

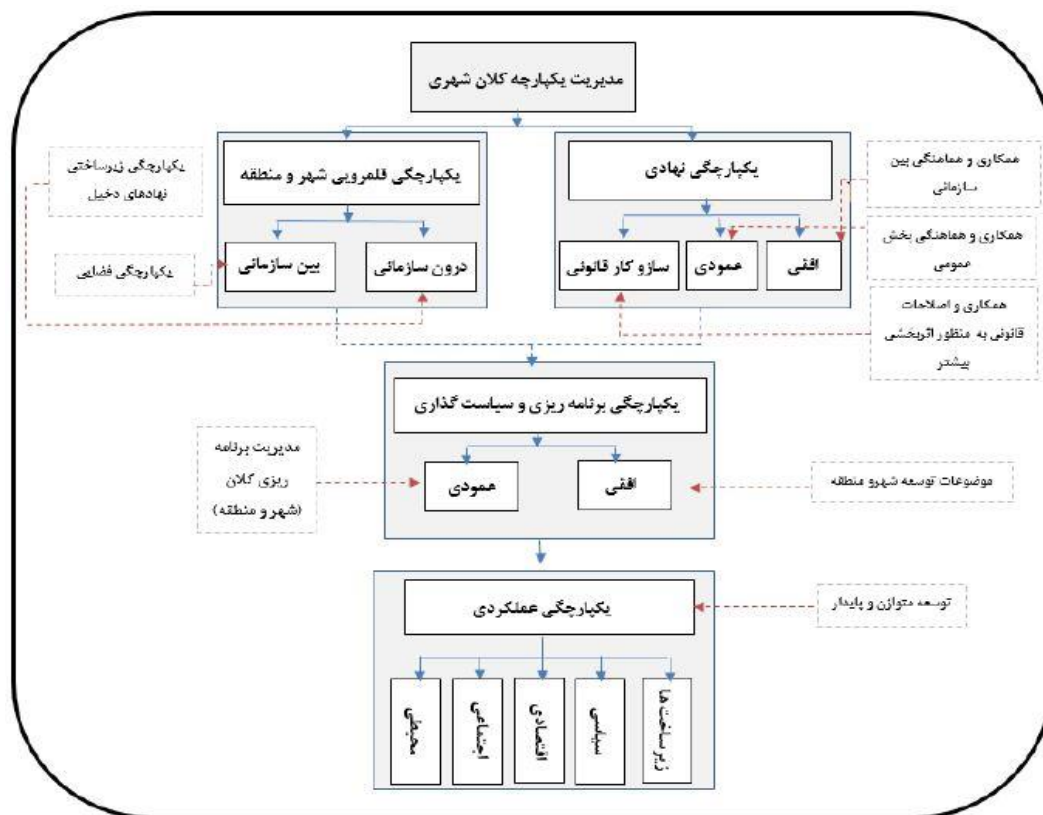
اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)؛ به میزان پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرها در منطقه شمال کشور پرداخته‌اند. در این پژوهش برای ارزیابی میزان پایداری از روش مدل بارومتر پایداری و رادار پایداری استفاده شده است. نتایج حاصله بیانگر اختلاف و فاصله زیاد شاخص‌های پایداری اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد آن است که بیشترین ناپایداری مربوط به مولفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی به ترتیب با ارزش ۰،۳۸۳ و ۰،۳۸۲ است. از این رو در امر سیاستگذاری برای پایداری ابعاد اجتماعی - اقتصادی، توجه به عواملی ضروری است که سبب افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی در این شهرها می‌شود. عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز؛ به بررسی پایداری اجتماعی در محلات شهری پرداخته‌اند و دریافته‌اند که درون‌گرایی، رعایت حریم و سلسله مراتب ساختاری در محله سنگ سیاه از یک سو و تنوع کالبدی و اجتماعی در محله، مقیاس مناسب، وجود عرصه‌های گوناگون معادل سطوح مختلف تعاملات اجتماعی، فضاهای عمومی و عوامل هویت‌بخش از سوی دیگر از عوامل اصلی در دستیابی به پایداری اجتماعی در این محله بوده است.

در رابطه با مدیریت یکپارچه می‌توان گفت که رشته‌ها و حوزه‌های علمی مختلف برای چیرگی بر چندپارگی و تفرق‌های متعدد اشاره شده در نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت، تلاش‌های گسترده‌ای صورت داده‌اند. از جمله حوزه‌های علمی مهم که در زمینه روابط بین سازمانی و ایجاد یکپارچگی تلاش کرده‌اند می‌توان به برنامه‌ریزی استراتژیک در برابر برنامه‌ریزی کالبدی و جامع، برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک، مدیریت شهری و منطقه‌ای و مدیریت زیست محیطی

اشاره کرد که هر کدام به نوعی از طریق فراهم آوردن شرایطی خاص و با هدف بهبود کارایی و اثربخشی عملکرد سیستم در پی ایجاد هماهنگی، همکاری و یکپارچگی در بین اجزا و عناصر چند پاره سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت موضوع خود بوده‌اند. به طور کلی بسته به نوع تفرق و مقیاس جغرافیایی آن، استراتژی‌های مختلفی برای چیره شدن بر آن پیشنهاد شده است. برای مثال می‌توان از مدیریت شهری یکپارچه به عنوان رویکرد مقابله با تفرق عملکردی در قلمرو شهر و منطقه‌گرایی کلان شهری به عنوان رویکرد مقابله با تفرق سیاسی و حکومتی و برنامه‌ریزی استراتژیک فضایی به عنوان رویکرد مقابله با تفرق برنامه‌ریزی یا تفرق سیاستی نام برد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸). با توجه به چنین ویژگی شناخته شده‌ای، نظریه‌پردازان و کارگزاران برنامه‌ریزی و مدیریت برای دستیابی به کارایی و اثربخشی مورد انتظار در تحقق اهدافشان و پایه‌ای سیستم پیچیده موضوع خود یعنی شهر و منطقه، تلاش کرده‌اند سیستم متناظری با همان پیچیدگی‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت آن ایجاد کنند تا از این طریق بتوانند برای هدایت توسعه یکپارچه و منسجم و نیز رفع مسائل بغرنج این پهنه‌های جغرافیایی اقدام مؤثرتری نمایند. به این ترتیب مفاهیمی که اغلب با پسوندها یا پیشوندهایی چون یکپارچه یا یکپارچه‌سازی، منسجم و مانند اینها همراه می‌شوند گویای چنین تلاش‌هایی هستند. برای مثال مدیریت شهری یکپارچه، یکپارچه‌سازی سیاستی، حکومت شهری یکپارچه و تعبیری مانند این‌ها چه در سطح نظری و چه در سطح عملی گویای این است که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت قادر نخواهد بود تعدد و تکثری را که در ماهیت پدیده‌هایی چون شهرها و مناطق شهری وجود دارد بدون جامع‌نگری و یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل مختلف هدایت کند. در چنین شرایطی اهداف برنامه‌ریزی و مدیریت قابل تحقق نخواهد بود (همان منبع). درک ناپایداری-

های ناشی از تفرق سبب شده است تا تلاش برای هم-گرایی، کل‌نگری و فراگیری همه ابعاد، کنشگران و فرآیندهای مؤثر بر حیات و توسعه شهری و منطقه‌ای به خصلت غالب در تلاش‌ها و تحولات نظری مدیریتی تبدیل شود. اما تلاش و واکنش یاد شده در مقابل تفرق، متناسب با ساخت و گرایش‌های قدرت حاکم دو پاسخ و روش متفاوت را در پی داشته است: مدیریت شهری واحد و مدیریت شهری یکپارچه. مدیریت واحد شهری مفهومی است که در ازای کوچک‌سازی دولت و واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها مطرح شده است، از این رو مدیریت شهری واحد، راه‌حلی تمرکز طلب و برگرفته از الگوی قدرت یکجانبه و متکی بر اصل وحدت فرماندهی برای مشکل از هم گسیختگی است و بیشتر منطبق با الگوی حکومت شهری است. اما مدیریت شهری یکپارچه، راه‌حلی تمرکززدایانه و مبتنی بر قدرت

چندجانبه و یکپارچه شده عناصر متکثر مدیریت شهری و منطق بر الگوی حکمروایی شهری است (بابایی و ابراهیمی، ۱۳۹۵). مرور تعاریف و کارکردهای مدیریت شهری از دید اندیشمندان مختلف در طی چند دهه اخیر (Chakrabarty, 2001; McGill, 1998) به خوبی تأکید بر نگاه فراگیر و دید وسیع نسبت به مسائل شهری و اداره آن و ترجیح ساختارهای یکپارچه بر ساختارهای بخشی و پراکنده در مدیریت شهری را نشان می‌دهد. مک گیل معتقد است تنها در صورت داشتن نگاهی کل‌نگر و یکپارچه می‌توان انتظار داشت که مدیریت شهری در عمل به موفقیت دست پیدا کند (McGill, 1998). شکل شماره ۲ ابعاد مدیریت یکپارچه شهر و منطقه که شامل یکپارچگی نهادی، یکپارچگی قلمرویی و یکپارچگی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است را نشان می‌دهد.



شکل ۲: ابعاد مدیریت یکپارچه شهر و منطقه

منبع: کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰

روش تحقیق

است. بر این اساس، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۷۰ نفر محاسبه شده که با استفاده از پرسشنامه، ۳۷۰ نفر از شهروندان به پرسشنامه‌ای که در راستای وضعیت پایداری اجتماعی در محدوده مرکزی شهر بابل پاسخ داده و یافته‌های این بخش با استفاده از تکنیک‌های آماری و تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS بررسی و تحلیل شده است.

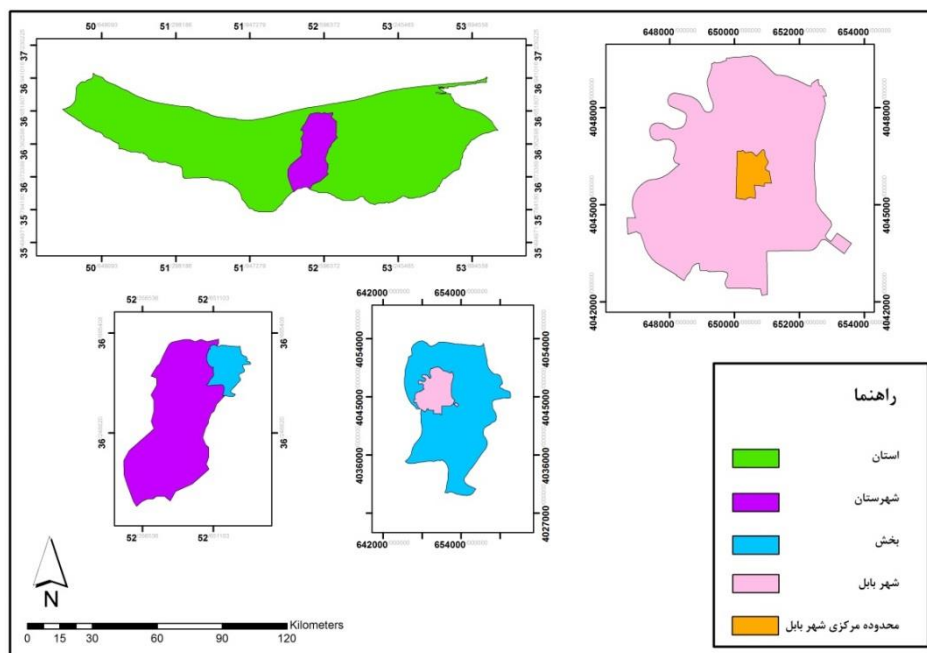
یافته‌ها

منطقه مورد مطالعه

منظور از بافت قدیم، پهنه موجود در بافت اولیه و مرکزی شهر بابل است که حدود آن توسط سازمان میراث فرهنگی مشخص گردیده است. بافت قدیم شهر بابل محدوده‌ای به مساحت در حدود ۱۲۲ هکتار و جمعیتی معادل ۱۰۷۳۵ نفر می‌باشد. بافت قدیم شهر بابل در حقیقت هسته نخستین رشد و توسعه این شهر در دوره معاصر است. در طرح تفصیلی ویژه بافت

از آنجا که پژوهش حاضر، خصلت محلی - موضعی داشته و با اتکا و استفاده از زمینه‌ها و بستر نظریه‌ها، اصول و قانونمندی‌های موجود در پی پاسخ-گویی به سوالات و دستیابی به اهداف تعیین شده است، از نوع تحقیق کاربردی می‌باشد. همچنین، از آنجا که پژوهش حاضر به شناخت و توصیف شرایط و ویژگی‌های محلات مرکزی شهر بابل و بیان ویژگی‌های آن می‌پردازد، لذا این پژوهش در زمره پژوهش-های توصیفی دسته‌بندی می‌گردد.

از طرفی پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و کتابخانه‌ای است که آمار، نقشه‌ها و اسناد فرادست با استفاده از روش تحلیل داده‌های ثانویه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با پایداری اجتماعی از دل این مطالعات استخراج شده است. حجم جامعه در پژوهش حاضر شهروندان شهر بابل می‌باشند که مطابق با سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر بابل برابر با ۳۴۹۰۹۸ بوده



شکل ۳: موقعیت بافت مرکزی شهر بابل در استان مازندران

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۹

قدیم، این محدوده مطالعاتی حدود ۳۸ محله به اسامی ذیل شناسایی شده‌اند. اسامی محله‌ها (واحدهای همسایگی و زیرمحله‌ها) از سمت جنوب به سمت شمال:

- ۱- کاسه گرمحله؛ ۲- سبزه میدان؛ ۳- عطارمحله؛ ۴- بی سرتکیه؛ ۵- مسجد جامع؛ ۷- شاهکلا؛ ۸- گلشن؛ ۹- افرادارین؛ ۱۰- مومن‌آباد؛ ۱۱- شمشیرگر محله؛ ۱۲- مراد بیک؛ ۱۳- میانکت؛ ۱۴- یهودی محله؛ ۱۵- سید جلال؛ ۱۶- سرحمام؛ ۱۷- پنجشنبه بازار (به انضمام حصیرفروشان)؛ ۱۸- باقرناظر؛ ۱۹- پیرعلم؛ ۲۰- بیدآباد؛ ۲۱- سرحمام میرزایوسف؛ ۲۲- اجابن؛ ۲۳- طوقداربن؛ ۲۴- آستانه؛ ۲۵- چالدرزین؛ ۲۶- عرب-خیل؛ ۲۷- شهد؛ ۲۸- آهنگرکلا؛ ۲۹- زرگرمحله؛ ۳۰-
- همت‌آباد؛ ۳۱- چهارسوق؛ ۳۲- چهارشنبه‌پیش؛ ۳۳- سنگ‌پل؛ ۳۴- کارخانه برق؛ ۳۵- نقیب‌کلا؛ ۳۶- برج بن؛ ۳۷- کارخانه برق؛ ۳۸- ایستگاه؛ و ۳۹- قهاریه (مهندسین مشاور پردا راز، ۱۳۹۷).

از عوامل مهم و تاثیرگذار در شکل‌گیری محلات وجود بازارها و محل‌هایی جهت ارتباطات تجاری بوده که پس از شکل‌گیری این بازارها، واحدهای مسکونی اطراف آنها احداث می‌شد و علاوه بر آن عناصر شهری مهم دیگر مانند مساجد، مدارس مذهبی، حمام و کاروانسراها اطراف آن ساخته می‌شد و تحت عنوان همین بازارها این محلات شناسایی می‌شدند، مانند محله پنجشنبه بازار و غیره.

جدول ۱: شاخص‌های پایداری اجتماعی

شاخص	ردیف	سنجه	محققان تأییدکننده داخلی	محققان تأییدکننده خارجی
امنیت	۱	میزان سرقت در محله	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹ مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲	جوزا و بروان ^۱ ، ۲۰۰۵ دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲
	۲	مشاهده رفتار بزهکارانه		
	۳	احساس امنیت هنگام تردد شبانه		
	۴	آمادگی نیروی انتظامی در برقراری امنیت		
	۵	اطمینان از منزل به هنگام سفر		
	۶	وجود فضای مخروبه یا متروکه (محل وقوع جرم)		
مشارکت	۷	انعکاس نظرات و پیشنهادات جهت بهبود وضعیت محله به سازمان‌های مرتبط	مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲ ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴	دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲
	۸	نقش اهمیت نظرات اهالی در مدیریت برنامه‌ریزی محله		
	۹	مشارکت فعال مالی برای بهبود محل سکونت		
	۱۰	مشارکت فعال فکری و مشورتی برای اداره محل سکونت		
اعتماد	۱۱	اعتماد به کیفیت تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری	ناطق‌پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴ نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷	ادوارد ^{۱۱} ، ۲۰۰۴ باک ^{۱۲} ، ۲۰۰۵
	۱۲	اعتماد به همسایگان و اهالی محل		
تعامل	۱۳	رفت‌وآمد با ساکنین محله	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹ مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲	دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲
	۱۴	صحبت و گفتگو با هم‌محله‌ای‌ها		
	۱۵	داشتن دوستانی در محله		
	۱۶	شناختن همسایه با نام آنها		
حس تعلق	۱۷	ترجیح زندگی در این محله بر سایر محلات	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹	پیپر دین ^{۱۳} ، ۲۰۰۲

شاخص	ردیف	سنجه	محققان تأییدکننده داخلی	محققان تأییدکننده خارجی
شاخص	۱۸	احساس راحتی و آرامش با زندگی در محله	مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲	گودلدن، ۲۰۰۳
	۱۹	دل‌بستگی به محله		
	۲۰	علاقه به ادامه زندگی در محله	رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸	
کیفیت مسکن	۲۱	احساس امنیت مسکن در برابر سوانح طبیعی (سیل، زلزله و ...)	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹	ادوارد ^۴ ، ۲۰۰۴
	۲۲	رضایت از نورگیری و تهویه مسکن		
	۲۳	اذیت اشراف واحدهای مسکونی		
	۲۴	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی		
دسترسی به خدمات	۲۵	دسترسی به خدمات آموزشی	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹	پیپر دین، ۲۰۰۲ گودلدن، ۲۰۰۳
	۲۶	دسترسی به خدمات بهداشتی		
	۲۷	دسترسی به خدمات فرهنگی		
	۲۸	دسترسی به خدمات مالی و اعتباری و بانک‌ها		
همگنی	۲۹	تشابه کیفیت مسکن همسایه‌ها	پورطاهری و همکاران، ۱۳۸۹	دمپسی و همکاران، ۲۰۱۲
	۳۰	تشابه وضعیت فرهنگی و اجتماعی همسایه‌ها		
	۳۱	تشابه وضعیت اقتصادی و درآمدی همسایه‌ها		
سرمایه اجتماعی	۳۲	تأکید بر منابع شخصی محدود مانند پیوندهای خانوادگی، همسایگی و دوستی	توانا و نوریان، ۱۳۹۶	ادوارد، ۲۰۰۴
	۳۳	عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌های محلی و غیر محلی		
	۳۴	پیوند افراد با قدرت‌های سیاسی و رسمی و مشروعیت دولت محلی بین شهروندان		
	۳۵	رضایت از مسکن، درآمد و شغل		
کیفیت زندگی	۳۶	میزان آسایش شهروندان	توانا و نوریان، ۱۳۹۶	لیتینگ و گریبلر ^۵ ، ۲۰۰۵
	۳۷	سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به سکونت در محله		
	۳۸	تعلق به محله و امید به آینده بهتر محله		
	۳۹	وجود سمبل و نشانه خاص در محله		
	۴۰	اصیل بودن محله		
	۴۱	نبود ناامنی و رفتارهای ضد اجتماعی در محله		
	۴۲	احساس امنیت و آسایش		
۴۳	نبود فضاهای ناامن در محله			

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۹

بحث

بوده و پیش‌فرض اولیه محقق آن است که هر عامل بر اساس تئوری امکان و احتمال، ممکن است با هر عامل دیگر در ارتباط زنجیره‌ای - شبکه‌ای باشد. تحلیل عاملی جهت اکتشاف، تدقیق و شناسایی نهایی شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل، چهار مرحله را دنبال می‌کند:

تحلیل عاملی شاخص‌های پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل در تحلیل عاملی محقق درصدد کشف ساختار زیربنایی - اکتشافی مجموعه بزرگی از شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل

(۱) آزمون کفایت نمونه‌گیری مربوط به شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل؛
 (۲) تشکیل ماتریسی از ضرایب همبستگی عوامل؛
 (۳) استخراج عامل‌ها از ماتریس همبستگی عوامل؛
 (۴) چرخش عامل‌ها به منظور به حداکثر رساندن رابطه متغیرها و عامل‌ها که مقدار آن باید بیش از ۰٫۵ باشد.

یافته‌های مربوط به آزمون کفایت نمونه‌گیری مربوط به شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل

در جدول شماره (۳) یافته‌های مربوط به اشتراک استخراجی عامل‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل نشان داده شده است؛ اشتراک استخراجی^{۱۶} عامل‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل نشان داده شده است؛ اشتراک استخراجی عوامل، بیانگر میزان تبیین واریانس عوامل می‌باشد. در این مرحله عواملی که مقادیر اشتراک استخراجی‌شان کوچک‌تر از ۰٫۵ است حذف می‌گردد. زیرا کسب ارزش عددی کمتر از ۰٫۵، بدان معناست که عامل موردنظر با هیچ یک از عامل‌ها ارتباط معنی‌داری ندارد. فرایند محاسباتی این مرحله تا آنجا ادامه می‌یابد که مقادیر استخراجی بیشتر از ۰٫۵ باشد، در این تحقیق مقادیر زیر بدست آمد.

در این مرحله از تحلیل عاملی، نخست می‌بایست اطمینان حاصل شود که آیا داده‌های موجود برای تحلیل را می‌توان استفاده نمود؟ لذا بدین منظور از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده گردید که خروجی آن در ذیل قابل مشاهده می‌باشد:

جدول ۲: کفایت نمونه‌گیری

شاخص KMO	۰٫۸۲۱
آزمون بارتلت	۴۶۳۴٫۰۲۲
درجه آزادی	۳۶۹
سطح معناداری	۰٫۰۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۳: نتایج اشتراک استخراجی

عامل‌ها	اشتراک استخراجی	عامل‌ها	اشتراک استخراجی	عامل‌ها	اشتراک استخراجی	عامل‌ها	اشتراک استخراجی
۱	۰٫۴۳۳	۱۲	۰٫۸۲۲	۲۳	۰٫۸۰۷	۳۴	۰٫۸۵۶
۲	۰٫۸۴۱	۱۳	۰٫۸۵۵	۲۴	۰٫۸۱۳	۳۵	۰٫۸۴۷
۳	۰٫۸۹۱	۱۴	۰٫۴۷۶	۲۵	۰٫۸۰۹	۳۶	۰٫۸۶۳
۴	۰٫۸۵۵	۱۵	۰٫۹۲۲	۲۶	۰٫۸۲۱	۳۷	۰٫۴۱۲
۵	۰٫۳۴۱	۱۶	۰٫۸۱۲	۲۷	۰٫۸۲۴	۳۸	۰٫۸۵۲
۶	۰٫۸۹۰	۱۷	۰٫۸۴۴	۲۸	۰٫۸۲۲	۳۹	۰٫۸۹۶
۷	۰٫۸۴۵	۱۸	۰٫۸۳۲	۲۹	۰٫۸۱۴	۴۰	۰٫۸۰۵
۸	۰٫۴۵۶	۱۹	۰٫۸۰۱	۳۰	۰٫۸۳۹	۴۱	۰٫۸۰۸
۹	۰٫۸۳۴	۲۰	۰٫۸۰۵	۳۱	۰٫۸۴۶	۴۲	۰٫۸۱۶
۱۰	۰٫۸۰۱	۲۱	۰٫۸۴۲	۳۲	۰٫۸۰۳	۴۳	۰٫۳۰۲
۱۱	۰٫۸۱۳	۲۲	۰٫۸۳۲	۳۳	۰٫۸۵۵		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۴: جدول تبیین واریانس

طبقات	مقادیر ویژه			مقادیر ویژه عامل استخراجی با چرخش		
	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی	مجموع	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۷,۹۲۸	۴۴,۶۰۲	۴۴,۶۰۲	۳,۵۷۹	۴۴,۹۳۱	۴۴,۹۳۱
۲	۲,۷۲۰	۴۱,۱۹۸	۸۵,۰۰۸	۳,۴۸۲	۴۱,۶۰۸	۸۶,۵۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ماتریس چرخش یافته شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل مهم‌ترین خروجی تحلیل عاملی اکتشافی ماتریس چرخش یافته نام دارد. در این ماتریس مشخص می‌شود که هر یک از عوامل در کدام خوشه قرار می‌گیرد. برای این منظور بزرگ‌ترین عدد هر عامل را در هر سطر مشخص کرده و در دسته مربوطه قرار می‌گیرد. به منظور تعیین تعداد عامل‌ها از معیار درصد واریانس و مقادیر ویژه و نمودار اسکری کتل بهره گرفته شد و این معیارها برای این مقیاس در مناسب‌ترین حالت ۲ عامل مشخص کردند که در مجموع بالای ۸۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کند که با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و از چرخش واریماکس، ساختار عاملی مقیاس مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های جدول شماره ۵ تقریباً به غیر سه گونه اکثر زیرمجموعه شاخص‌های نه‌گانه در پایداری اجتماعی محلات مرکزی شهر بابل بار عاملی بالایی را کسب کردند که نشان از اهمیت این ابعاد در محلات شهری دارد. از بین شاخص‌های نه‌گانه پایداری اجتماعی، "امنیت" با بار عاملی ۰,۸۶۹ بیشترین اولویت را از نظر کارشناسان و متخصصین در پایداری اجتماعی محلات مرکزی شهر بابل کسب کرده است. پس از آن "اعتماد و تعامل" با بار عاملی ۰,۸۴۵ و "کیفیت زندگی" با بار عاملی ۰,۸۴۱ دارای بالاترین اهمیت از لحاظ میانگین بار عاملی را دارند.

با توجه به نتایج بدست آمده اشتراک استخراجی عامل‌هایی که کمتر از ۰,۵ باشند در این مرحله حذف می‌شوند. شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل که دارای اشتراک استخراجی کمتر از ۰,۵ است که در این مرحله شامل عامل‌های شماره ۱ (میزان سرقت در محله)، ۵ (اطمینان از منزل به هنگام سفر)، ۸ (نقش اهمیت نظرات اهالی در مدیریت برنامه‌ریزی محله)، ۱۴ (صحبت و گفتگو با هم‌محله‌ای‌ها)، ۳۷ (سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به سکونت در محله) و ۴۳ (نبود فضاهای ناامن در محله) می‌باشد. جدول تبیین واریانس مرحله سوم از تحلیل عاملی اکتشافی تعیین‌کننده عامل‌هایی هستند که در پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل می‌بایست مورد تأکید و توجه قرار گیرند. در این جدول تعداد عوامل شناسایی شده و میزان تبیین واریانس برای هر یک از آنها مشخص گردید. با توجه به نتایج خروجی برآمده از تحلیل SPSS می‌توان بیان کرد (جدول شماره ۴) دو عامل دارای بردارهای ویژه بزرگ‌تر از یک هستند، عامل اول حدود ۴۴ درصد، عامل دوم حدود ۴۱ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد. همچنین واریانس تجمعی برابر با ۸۵,۰۰۸ درصد است. این به این معناست که این چهار عامل حدود ۸۰ درصد واریانس شاخص‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل را توضیح داده و این عوامل می‌بایست در نظام پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است میزان تبیین واریانس تجمعی باید بزرگ‌تر از ۹۰ درصد باشد.

جدول ۵: ماتریس چرخش یافته بارهای عاملی سؤالات مقیاس شاخص‌های مؤثر در پایداری اجتماعی محلات مرکزی شهر بابل

شاخص	ردیف	سنجه	(بار عاملی)	میانگین
امنیت	۱	مشاهده رفتار بزهکارانه	۰.۸۴۱	۰.۸۶۹
	۲	احساس امنیت هنگام تردد شبانه	۰.۸۹۱	
	۳	آمادگی نیروی انتظامی در برقراری امنیت	۰.۸۵۵	
	۴	وجود فضای مخروبه یا متروکه (محل وقوع جرم)	۰.۸۹۰	
مشارکت	۵	انعکاس نظرات و پیشنهادات جهت بهبود وضعیت محله به سازمان‌های مرتبط	۰.۸۴۵	۰.۸۲۷
	۶	مشارکت فعال مالی برای بهبود محل سکونت	۰.۸۳۴	
	۷	مشارکت فعال فکری و مشورتی برای اداره محل سکونت	۰.۸۰۱	
اعتماد و تعامل	۸	اعتماد به کیفیت تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری	۰.۸۱۳	۰.۸۴۵
	۹	اعتماد به همسایگان و اهالی محل	۰.۸۲۲	
	۱۰	رفت‌وآمد با ساکنین محله	۰.۸۵۵	
	۱۱	داشتن دوستانی در محله	۰.۹۲۲	
حس تعلق	۱۲	شناختن همسایه با نام آنها	۰.۸۱۲	۰.۸۲۱
	۱۳	ترجیح زندگی در این محله بر سایر محلات	۰.۸۴۴	
	۱۴	احساس راحتی و آرامش با زندگی در محله	۰.۸۳۲	
	۱۵	دل‌بستگی به محله	۰.۸۰۱	
	۱۶	علاقه به ادامه زندگی در محله	۰.۸۰۵	
کیفیت مسکن	۱۷	احساس امنیت مسکن در برابر سوانح طبیعی (سیل، زلزله و ...)	۰.۸۴۲	۰.۸۲۷
	۱۸	رضایت از نورگیری و تهویه مسکن	۰.۸۳۲	
	۱۹	اذیت اشراف واحدهای مسکونی	۰.۸۰۷	
دسترسی به خدمات	۲۰	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	۰.۸۱۳	۰.۸۱۸
	۲۱	دسترسی به خدمات آموزشی	۰.۸۰۹	
	۲۲	دسترسی به خدمات بهداشتی	۰.۸۲۱	
	۲۳	دسترسی به خدمات فرهنگی	۰.۸۲۴	
	۲۴	دسترسی به خدمات مالی و اعتباری و بانک‌ها	۰.۸۲۲	
همگنی	۲۵	تشابه کیفیت مسکن همسایه‌ها	۰.۸۱۴	۰.۸۳۳
	۲۶	تشابه وضعیت فرهنگی و اجتماعی همسایه‌ها	۰.۸۳۹	
	۲۷	تشابه وضعیت اقتصادی و درآمدی همسایه‌ها	۰.۸۴۶	
سرمایه اجتماعی	۲۸	تأکید بر منابع شخصی محدود مانند پیوندهای خانوادگی، همسایگی و دوستی	۰.۸۰۳	۰.۸۳۸
	۲۹	عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌های محلی و غیرمحلی	۰.۸۵۵	
	۳۰	پیوند افراد با قدرت‌های سیاسی و رسمی و مشروعیت دولت محلی بین شهروندان	۰.۸۵۶	
کیفیت زندگی	۳۱	رضایت از مسکن، درآمد و شغل	۰.۸۴۷	۰.۸۴۱
	۳۲	میزان آسایش شهروندان	۰.۸۶۳	
	۳۳	تعلق به محله و امید به آینده بهتر محله	۰.۸۵۲	
	۳۴	وجود سمبل و نشانه خاص در محله	۰.۸۹۶	
	۳۵	اصیل بودن محله	۰.۸۰۵	
	۳۶	نبود ناامنی و رفتارهای ضد اجتماعی در محله	۰.۸۰۸	
	۳۷	احساس امنیت و آسایش	۰.۸۱۶	

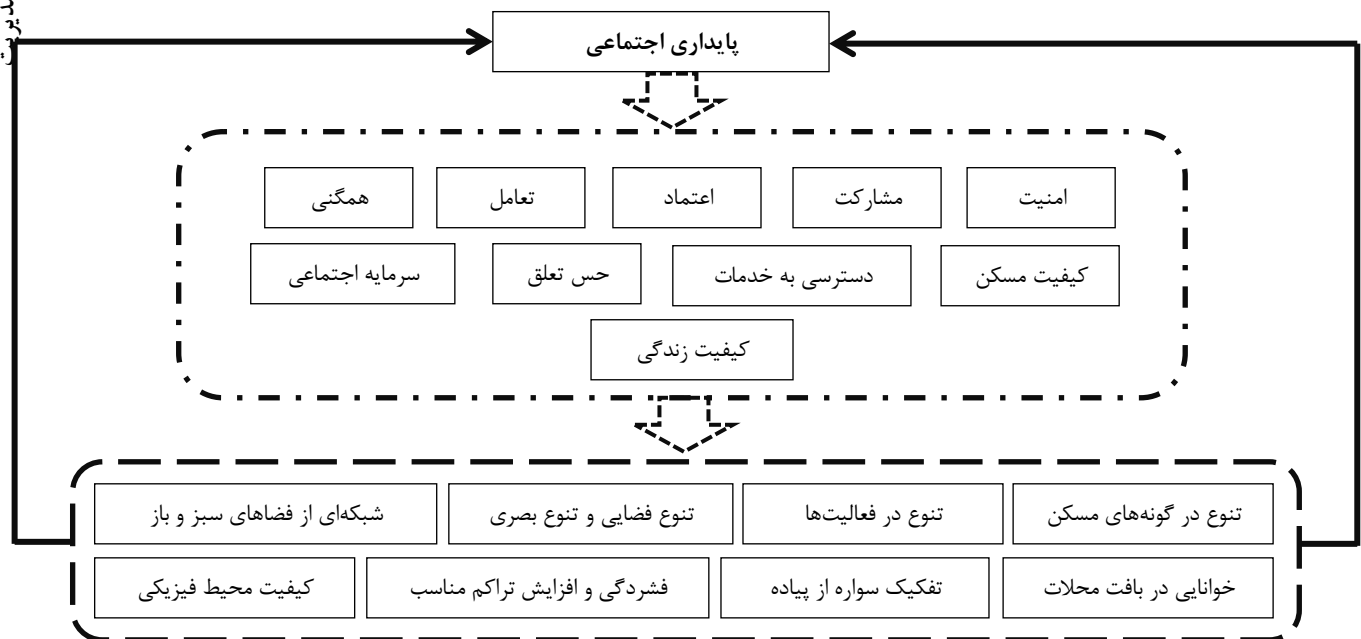
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

پایداری اجتماعی یکی از مفاهیم نوین در مبحث توسعه پایدار است که از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. البته با توجه به جدید بودن این مفهوم و نیز گستردگی آن در عرصه‌های مختلف شهری، تعریف دقیق و مشخصی در این زمینه موجود نیست. از آنجایی که مرکز شهر بابل دارای بافتی قدیمی و فرسوده بوده و احتمال بروز پدیده مهاجرت از این محدوده بوده است که در پی آن خالی شدن اراضی از فعالیت و سکونت در بافت مرکزی شهر بابل را در پی خواهد داشت، بنابراین باید در پی ایجاد پایداری در این محدوده از حیث اجتماعی، پژوهشی انجام شود که بتوان با ایجاد پایداری اجتماعی، موجبات سکونت و حس تعلق و پایداری محدوده را فراهم آورد تا هم کیفیت زندگی در این بافت ارتقاء یابد و هم بافت سرزندگی گذشته خود را از دست ندهد بنابراین در این مقاله سعی شده با بررسی تعاریف مختلف، مدلی جهت سنجش میزان پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل ارائه شود.

هدف از پژوهش حاضر سنجش پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل با رویکرد مدیریت یکپارچه بوده است که پس از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، مشخص شد که عوامل پایداری اجتماعی که از مبانی نظری استخراج شده‌اند، در محلات مرکزی شهر بابل در سطح بالایی قرار داشتند. در نتیجه، سطح بالای پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل را تأیید می‌کردند که عوامل: میزان سرقت در محله، اطمینان از منزل به هنگام سفر، نقش اهمیت نظرات اهالی در مدیریت برنامه‌ریزی محله، صحبت و گفتگو با هم-محله‌ای‌ها سابقه سکونت در محله و علاقه و تمایل به سکونت در محله و نبود فضاهای ناامن در محدوده مورد مطالعه تأثیر چندانی نداشت و از این نظر با مدل ارائه شده، متفاوت است. عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، کنش متقابل، کیفیت زندگی و حس تعلق، همگی عواملی هستند که با توجه به چارچوب نظری و ویژگی‌های پایداری اجتماعی مطرح شده و در برستول ۲۰۰۶ جزء عوامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی بوده که در محله موردنظر در سطح بالایی قرار داشته‌اند.

فصلنامه خطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت



شکل ۴: الگوی شماتیک پایداری اجتماعی در بافت مرکزی شهر بابل

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۹

توانا مصطفی؛ نوریان فرشاد (۱۳۹۶). سنجش پایداری اجتماعی در محلات پراکنده‌رو (مطالعه موردی: محله شادآباد تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۴)، ۸۵-۹۰.

جمعه‌پور محمود؛ نجفی غلامرضا؛ شفیعا سعید (۱۳۹۱). بررسی رابطه تراکم و پایداری اجتماعی در مناطق شهرداری تهران، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۳(۴)، ۱۸۵-۲۰۰.

حاتمی‌کیا، ستاره (۱۳۹۳)، سنجش پایداری اجتماعی در نواحی شهری با رویکرد شهر فشرده (مطالعه موردی: شهر آمل)، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.

رفعیان مجتبی؛ عسگری علی؛ عسگری‌راد زهرا (۱۳۸۸). سنجش میزان رضایتمندی سکونت ساکنان محله نواب، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۶۷(۱)، ۵۳-۶۸.

شفائی املشی، آلاله سادات (۱۳۹۵). طراحی سرای محله با رویکرد پایداری اجتماعی در شهر گرگان، کارشناسی ارشد رشته معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

عبدالله‌زاده سیده مهسا؛ ارژمند محمود؛ امین‌پور احمد (۱۳۹۶). ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۹، ۳۵-۵۴.

کاظمیان غلامرضا؛ میرعابدینی سیده زهره (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا، ۴۶(۳)، صص ۲۸-۶۴.

محمدی سنگ‌لی خشایار؛ قرشی سیده صدیقه (۱۳۹۵). توسعه پایدار شهری؛ رویکرد جهانی با راهکارهای محلی، مطالعه موردی: بررسی معیارهای پایداری در معماری سنتی شهر یزد، مطالعات هنر و معماری، جلد ۴، ۵ و ۱۱ (۱۲)، ۸۷-۹۹.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها نشان‌دهنده این است که مهم‌ترین عامل در بالا بودن سطح پایداری اجتماعی در محدوده مرکزی شهر بابل میزان بالای امنیت و تعامل و کنش اجتماعی در بین افراد ساکن در محدوده است. پس از آن کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی عوامل مؤثری هستند. همان‌طور که یوهیان و اورز در سال ۲۰۰۵ اثبات کردند که گلپز، لایسون و سارودت در سال ۲۰۰۰ در مطالعات خویش به این نتیجه رسیدند که تعلق خاطر افراد به محیط و طول اقامت آنها بر پایداری اجتماعی در سطح محلات تأثیرگذار است. در محدوده مرکزی شهر بابل نیز حس تعلق، هفتمین عامل تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی معرفی شد.

مراجع

بابایی مهناز؛ ابراهیمی سعید (۱۳۹۵)، مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان، فصلنامه اقتصاد شهری، ۱(۱)، سال اول، شماره اول، صص ۵۴-۳۵.

برزگر صادق؛ بخشی امیر؛ حیدری محمدتقی (۱۳۹۸). تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران)، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۶(۹۷)، ۳۸-۶.

برک‌پور ناصر؛ اسدی ایرج (۱۳۸۸)، مدیریت حکمروایی شهری، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.

پورطاهری مهدی؛ سجاسی قیداری حمدالله؛ صادقلو طاهره (۱۳۸۹). سنجش و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی، با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده‌آل فازی؛ (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده)، پژوهش‌های روستایی، ۱(۱)، ۱-۳۱.

- Manzi, T, Lucas, K, Jones, L. TONY, A, Judith, (2010), Social sustainability in urban Areas, Communities, connectivity and the Urban Fabric, Earth scan, London.
- McGill, Ronald (1998), Urban Management in Developing Countries, Cities, Vol. 15, No. 6, pp 463-471.
- Pepperdine, Sh., (2002), Social Indicators of Rural community Sustainability: An Example from The Woody Yaliak catchment, Department of geograghy and environment Study, university of melbourn.
- Torjman, shayn., (2002), the social dimension of sustainable development, Caledon institute social police, Hoviateshahr, (6), 15-28.
- مشکینی ابوالفضل؛ برهانی کاظم؛ شعبانزاده یمینی رضا (۱۳۹۲). تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، ۱۱(۳۹)، ۲۱۱-۱۸۶.
- مهندسین مشاور پردا راز (۱۳۹۷). طرح جامع شهر بابل، اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران، وزارت راه و شهرسازی.
- ناطق‌پور محمدجواد؛ فیروزآبادی سید احمد (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، جامعه‌شناسی ایران، (۲۴)، ۹۱-۵۹.

یادداشت‌ها

- ¹ Goodland
- ² Bryden
- ³ Torjaman
- ⁴ Burton
- ⁵ Manzi
- ⁶ Chiu
- ⁷ Mitlin & Satresuit
- ⁸ The Sustainable Communities Plan
- ⁹ Dempsey
- ¹⁰ Jozsa & Brown
- ¹¹ Edwards
- ¹² Buck
- ¹³ Pepperdine
- ¹⁴ Edwards
- ¹⁵ Littig & Griebler
- ¹⁶ Extraction

نوابخش مهرداد؛ فدوی جمیله (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری (مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران)، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، (۳)، ۴۷-۲۵.

- Buck, N., (2005), Social Cohesion in Cities. In Changing Cities: Rethinking Urban Competitiveness, Cohesion and governance, Londen: Plagrave Macmillan, 44-61.
- Bryden, James., (2002), Rural Development Indicators and Diversity in the European union, International Journal of Biometeorology, 32(4): 8-21.
- Burton, Edward., (2000a), The compact city: just or just compact? A preliminary analysis, Urban Studies, 37(11), 1969-2006.
- Chakrabarty, B.K. (2001), Urban Management; Concepts, Principles, Techniques and Education, Cities, Vol. 18, No. 5, pp 331-345.
- Chiu R. L. H. (2003), Social Sustainability, Sustainable Development and and Housing Development theory, Journal of Housing, Theory and Society, (27), 33-67.
- Dempsey, N. & Bramley, G. & Brown, C. (2012), The social Demension of Sustainable Development, Defining Urban Social Sustainability.
- Edwards, R., W., (2004), measuring Social Capital, An Australian Frame work and Indicators. CANBERRA TIME, The Australian Bureau of Statics.
- Good land, Richard., (2003), Sustainability Human, Social, Econimic and Environmental, World Bank Washington DC, USA.
- Jozsa, Alex., and Brown, Brown., (2005), Neighbourhood Sustainability inductors reports on best practice workshop, McGill university and The Urbanecology Center, Montreal.
- Littig, B. and Griebler, E., (2005), International Journal of Sustainable Development, Vol. 8. 1(2), 65- 79.